

متن پرسش

با سلام: ابتدا تشکر ویژه ای دارم از شما که مطالب زیادی را ازتون آموختم. آشنایی من با شما برمی‌گردد به تفسیر حدیث عنوان بصری که خداوند عنایت فرمود که با سایت شما ارتباط بگیرم. علاقه اصلی من عرفان هست. چند ماهی هست بصورت جدی عرفان شیعی رو مطالعه می‌کنم و خدا رو شکر هر روز قلبم نسبت به آن گشوده تر می‌شود. خداوند نعمت ریز بینی را به من عطا فرموده و برای همین به راحتی مطلبی را نمی‌پذیرم و در کنار آن نعمت انعطاف پذیری را هم عطا فرموده تا در صورتی که متوجه اشتباه خود شوم آن را قبول کنم. این سوالاتی که از شما می‌پرسم فقط برای آن است که احساس می‌کنم اول با اطلاع هستید و دوم منطقی و منصف، ان شاءالله. پرسش های من درباره انقلاب اسلامی و ثمرات آن است. من در خانواده ای نسبتا مذهبی به دنیا آمده ام و همیشه در خانه ما صحبت از قرآن و ائمه بوده و هست. با تحقیقاتی که کردم ارادتم به ائمه بیشتر شده بخصوص حضرت علی علیه السلام. هنگامیکه حکومت ایشان را با الان مقایسه می‌کنم (و البته شرایط زمانه را هم در نظر می‌گیرم) متأسفانه اختلاف زیادی را متوجه می‌شوم. تا اینکه نظرات شما من را تکان داد و باعث شد نه به شما بلکه به خودم شک کنم که نکنه من اشتباه می‌کنم و مواردی را در نظر نگرفته‌ام! بخاطر همین بعضی از شکایات خودم را مطرح می‌کنم که انتظار دارم شما با تکیه بر آیات قرآنی و سنت اهل بیت پاسخ دهید تا ان شاءالله اگر حقانیتی در آن بود خداوند از طریق شما من را از گمراهی نجات دهد. و اگر شما من را متوجه جهالت خود کنید ان شاءالله به طریقی آن را جبران خواهم کرد. و این را هم عرض کنم که من از فعالیت های سیاسی بیزار هستم و تا وقتی نفس اماره درونم جولان می‌دهد واجب آنست که به خودسازی خودم بپردازم ان شاءالله. این را گفتم تا بدانید من فقط برای خودم چنین پرسش هایی می‌پرسم و قصد و غرضی ندارم. ۱. نظرتان درباره قول هایی که امام خمینی در بهشت زهرا به مردم دادند و به بسیاری از آنها عمل نشد چیست؟ و همینطور آزادی احزاب که در فرانسه بیان کردند. از طرفی الان شاهدیم که هیچ حزب مردم نهادی به معنای واقعی نداریم و حتی اتحادیه های صنفی ما نیز بشدت ضعیف و منفعل هستند. ۲. اعدام های تابستان سال ۶۷ منافقین، که بیشتر مدت اسارت خود را طی کرده بودند. اگر قرار بر اعدام بود چرا سال ها آنها زندانی بودند و در شرف آزادی اعدام شدند؟ ۳. قتل های زنجیره ای در اوایل دهه ۷۰ که بصورت ترور انجام شد و با حيله و نیرنگ مخالفان نظام کشته شدند. ۴. کشتار سال ۷۸ در خوابگاه دانشگاه تهران. ۵. کشتار معترضان سال ۸۸ و شکنجه بسیاری از مردم عادی. ۶. کشتار معترضان سال ۹۸ (قبول دارم که در بین مردم اغتشاشگران نفوذ کرده اند اما بسیاری از مردمی که شکنجه و کشته شده اند مردم

عادی بودند) ۷. احساس خفقان و ترسی که مردم از حکومت دارند و پایگاهی مدنی وجود ندارد که مردم حرفشان را آزادانه و بدون ترس بزنند و بخاطر آن مردم در مواقعی مجبور می‌شوند برخلاف میلشان برای اعتراض به خیابان بیایند و در نهایت یا مخالف نظام خوانده می‌شوند یا معاندین در آنها نفوذ کرده و اعتراضات را به انحراف می‌کشانند و در هر دو صورت، این مردم هستند که سرخورده می‌شوند و ناراحتیشان از حکومت عمیقتر می‌شود. (من وقتی شرایط الان را با ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته مقایسه می‌کنم به وضوح می‌بینم که موافقان حکومت الان منتقد آن شده‌اند. منظورم سیاستمداران نیست بلکه مردم عادی و دور و بر خودم را می‌گویم) ۹. سانسور روزنامه‌ها، اخبار، کتاب‌ها، نشریه‌ها و... و صدا و سیمای یکطرفه ۱۰. چرا مردم ما باید انقدر فشار روی آنها زیاد باشد نه فقط فشار اقتصادی بلکه فشارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی؟ من خودم از مخالفان نظام سرمایه داری هستم ولی متأسفانه کشور ما نیز بیشتر از ۹۰ درصد مدیریت آن طبق آن نظام استکباری اداره می‌شود و حتی در مواقعی بدتر از آن. از نظام بانکی تا آموزشی و ادارات مختلف و... ۱۱. این کلاهبرداری عظیمی که در طول این سالها انجام شده بویژه امسال که با دعوت همه جانبه نظام از مردم برای شرکت در بورس، متأسفانه ضررهای سنگینی متحمل شدند. درست است که مردم هم نباید بدون آموزش وارد بورس می‌شدند اما دعوت دولت و رسانه‌های حکومتی، آنها را به گونه‌ای ناصحیح ترغیب کرد. وقتی ما چنین دین غنی و پربرکتی داریم چه احتیاجی به مدل کشور داری دیگران؟! ان شاءالله خداوند همه ما را به راه راست هدایت فرماید و از گمراهی نجات دهد و با نور حقیقت عبودیت، ما را منور کند. آمین یا رب العالمین.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً مستحضربید که بررسی این نوع سؤالات، مثنوی هفتاد من نیاز دارد. ۱. در این مورد خوب است جزوه‌ی «ریشه‌های انقلاب» که روی سایت هست، مطالعه شود که اراده‌ی امام چه بود و هوشیاری دشمن برای به شکست کشاندن آن اراده تا کجا آمد. آری! امام خمینی نتوانستند آن وعده‌ها را محقق کنند ولی در رویارویی با فتنه‌های دشمن، انقلاب امروز به وسعتی رسیده هزار برابر بیشتر از آنچه بنا بود باشد. ۲. در مورد اعدام‌های منافقین، در جریان باشید که بعد از عملیات «مرصاد» معلوم شد آن‌ها زندانی عادی نبودند. پرونده‌هایی که از عملیات چلچراغ دشمن به دست آمد، معلوم بود بسیاری از زندانیان جزئی از جریان برانداز بوده‌اند. ۳. آری! قتل‌های زنجیره‌ای با نفوذی‌ها و یا منحرفینی که در اطلاعات نفوذ کرده بودند انجام شد و کار بدی بود و به نظام، ضربه زد. مصاحبه‌ی اخیر آقای یونسی و آقای مهدی نصیری در این رابطه مفید است. ۴. جریان دانشگاه همان‌طور که بعداً معلوم شد، جریان از پیش طراحی شده بود که پای نظام گذاشتند. ۶. خود بنده ناظر جریان اغتشاشات سال ۹۸ بودم. کاملاً منافقین نفوذ کرده بودند و اراده‌ی براندازی داشتند و هیچ راهی جز برخورد محکم و جدی نبود ۷. جریان نظرخواهی اخیر دانشگاه مریلند این مورد را تأیید

نمی‌کند که مردم در کلیت از نظام سرخورده‌اند. بیشتر اشکالات را در ضعف مدیریت می‌بینند و نه در کلیت نظام. ۹. به نظر بنده تلویزیون احتیاط‌های بیش از حدی دارد و با نوعی تنگ‌نظری همراه است. زیرا کسانی هستند که کلیت نظام را قبول دارند، ولی مثل ما فکر نمی‌کنند. این‌ها نیز باید در رسانه‌ی ملی جایی داشته باشند. ۱۰. همین‌طور است که می‌فرمایید. ما هنوز در افقی که انقلاب اسلامی در این تاریخ گشوده است، ورود نکرده‌ایم. به گفته‌ی آقای دکتر شه‌ریار زرشناس، اشکال در حضور لیبرال‌ها در نظام اقتصادی و فرهنگی و سیاسی ما است. ۱۱. باز هنوز متوجه نشده‌ایم که با اراده‌های سست سیاسیون نمی‌توان به طنابی آویزان شد که اینان ما را در چاه می‌برند ولی توان بالا کشیدن آن را ندارند.

و همه‌ی این امور حکایت از آن دارد که با انقلاب اسلامی، افق دیگری در پیش است و باید بعد از این‌همه تجربه به خود آییم و به راه دیگری فکر کنیم که بحمدالله خداوند از طریق انقلاب اسلامی، آن راه را در مقابل ما گشوده است و ما معنی گمشده‌ی خود را تنها در این راه می‌توانیم پیدا کنیم. موفق باشید